

عنوان مقاله:

بررسی مفهوم سازی مشروطه در شعر دو شاعر دوره ی مشروطه (بافت نحوی و گفتمان در شعرهای عارف قزوینی و میرزاده ی عشقی)

محل انتشار:

فصلنامه شعری پژوهی (بوستان ادب)، دوره 14، شماره 1 (سال: 1401)

تعداد صفحات اصل مقاله: 28

نویسندگان:

مریم جعفری - دانشجوی دکتری زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا

مهیود فاضلی - استادیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا

نسرین فقیه ملک مرزبان - دانشیار گروه زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا

خلاصه مقاله:

بررسی مفهوم سازی مشروطه در شعر دو شاعر دوره ی مشروطه (بافت نحوی و گفتمان در شعرهای عارف قزوینی و میرزاده ی عشقی) مریم جعفری* مهیود فاضلی** نسرین فقیه ملک مرزبان*** چکیده‌های پژوهش به بررسی مفهوم سازی مشروطه در شعرهای میرزاده ی عشقی و عارف قزوینی می پردازد. برای فهم بخشی از تفاوت نگاه شاعران دوره ی مشروطه، دو شخصیت متفاوت چه از نظر جهان بینی و خواست ها و چه از نظر خاستگاه و طرز زندگی و رفتارهای شاعری انتخاب شده که حجم دیوان اشعارشان نیز به هم نزدیک است. پرسش پژوهش حاضر این است که عارف قزوینی و میرزاده ی عشقی برای بیان دیدگاه های خود درباره ی مشروطه از چه بافت نحوی استفاده و چگونه آن را مفهوم سازی کرده اند؟ دامنه های مفهومی و گفتمان آن ها در این موضوع مشترک چه تفاوت هایی با هم دارد؟ برای رسیدن به پاسخ ابتدا کلمه ی مشروطه و ترکیبات آن از دیوان دو شاعر استخراج شدند و سپس بافت نحوی و دامنه های مفهومی در عبارات و بندهایی که شامل این کلمه بودند و همچنین با نظر به کل شعر، همراه با آمیزه های مفهومی آن ها بر اساس تلفیق نظرات لانگاکر و فوکونیه و ترنر بررسی شدند. بر اساس نتایج به دست آمده می توان گفت که کنشگران مشروطه در شعر میرزاده ی عشقی، «آن فتنه ز مشروطه» و خود «مشروطه»، «من» و «ما» (پدر مریم و پسرانش در سه تابلوی مریم) و «مردم مشروطه خواه» هستند؛ اما در شعر عارف قزوینی، معشوق (مستتر)، خود «مشروطه»، محمدعلی شاه (در ضمیر) و وطن دوستان کنشگرند. در آمیزه ی مفهومی، مفهوم مشروطه در شعرهای میرزاده ی عشقی قانون، فرمان، خدا، معشوق، فرزند، موجود زنده، زمان و آرمان و هدف هستند؛ اما عارف قزوینی مفهوم مشروطه را با مجرم یا متهم، موجود زنده، کار، فرمانروایی و حکومت، معشوق، بهار یا باغبان، خواست و آرزو، یوسف و قدرت عشق آمیخته است. میرزاده ی عشقی از دامنه های مفهومی واقعی تری استفاده کرده که به فضاهای مفهومی خود مشروطه بیشتر مربوطند؛ اما عارف قزوینی با نگاهی سنتی تر و بعضا جدید، از دامنه های مفهومی مختلفی که ترکیبی از عناصر طبیعت و عشق و سیاست و همچنین اعتقاد به تقدیر و عاملی بیرون از اراده ی انسان است، بهره گرفته و میرزاده ی عشقی با وجود استفاده از دامنه های مفهومی محدودتر، مشروطه را واقعی تر و ملموس تر می بیند. واژه های کلیدی: شعر مشروطه، مفهوم سازی، بافت نحوی، عارف قزوینی، میرزاده ی عشقی، لانگاکر، فوکونیه

marypoetry@ (نویسنده ی مسئول) ** استادیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا mahbood46@yahoo.com*** دانشیار زبان و ادبیات فارسی دانشگاه الزهرا nasrinfaghhih44@gmail.com تاریخ دریافت مقاله: ۶/۱۲/۱۳۹۹ تاریخ پذیرش مقاله: ۳۱/۵/۱۴۰۰

کلمات کلیدی:

واژه های کلیدی: شعر مشروطه، مفهوم سازی، بافت نحوی، عارف قزوینی، میرزاده ی عشقی، لانگاکر، فوکونیه

لینک ثابت مقاله در پایگاه سیویلیکا:

<https://civilica.com/doc/1454048>



